

روش های موثر در مدیریت نقدینگی بانکها

حسن بختیاری
ریس دایره نقدینگی امور مالی بانک
(بخش اول)

مقدمه:

بانکها از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و کمبود نقدینگی، پیامدهای گسترده‌ای را به همراه دارد. به همین منظور، تحقیقات و مطالعات گسترده‌ای در زمینه دستیابی به یک سری رویه‌ها و اصول اساسی برای مدیریت نقدینگی انجام داده است. پس از انتشار گزارشی در سپتامبر ۱۹۹۲ با عنوان «چارچوبی برای اندازه‌گیری و مدیریت نقدینگی»^۱، با انجام اصلاحات و تغییرات لازم و با در نظر گرفتن اصول کلی و اساسی در مدیریت نقدینگی بانکها در فوریه ۲۰۰۰، نشریه‌ای با عنوان «روش‌های موثر در مدیریت نقدینگی بانکها»^۲ از سوی کمیته یاد شده منتشر شد. پایه و اساس این نشریه مشتمل بر ۱۴ اصل کلیدی در نحوه مدیریت نقدینگی بانکهاست که در ۹۴ بند تشریح شده است. اصول چهارده گانه ارزیابی مدیریت نقدینگی بانکها در هشت قسمت به شرح زیر است.

استقرار ساختاری برای مدیریت نقدینگی

اصل اول: هر بانک، برای مدیریت نقدینگی روزانه خود، باید استراتژی در خور پذیرشی داشته باشد. این استراتژی باید به تمام واحدهای بانک ابلاغ شود.

اصل دوم: استراتژی و رویه‌های مهم مربوط به مدیریت نقدینگی باید به تصویب هیات مدیره بانک برسد. هیات مدیره باید مطمئن شود که مدیریت ارشد اجرایی، اقدامات ضروری را برای نظارت و کنترل ریسک نقدینگی انجام می‌دهد. هیات مدیره بانک باید به طور مداوم از نقدینگی و هرگونه تغییرات مهم در وضعیت نقدینگی جاری و آینده بانک، سریعاً اطلاع پیدا کند.

اصل سوم: هر بانک، برای مدیریت و اجرای موثر استراتژی نقدینگی خود، باید دارای تشکیلات مدیریتی با جایگاه مناسب باشد. این ساختار، وظایف اعضای مدیریت ارشد اجرایی را شامل می‌شود. مدیریت ارشد اجرایی باید مطمئن شود که نقدینگی به صورت کارآمد مدیریت شده و روش‌ها و سیاست‌های مناسبی برای محدود کردن و کنترل ریسک نقدینگی در پیش گرفته می‌شود. بانکها به صورت مداوم، براساس شرایط و وضعیت نقدینگی موجود، باید در فواصل زمانی مشخص، به بررسی و دسته‌بندی توان نقدینگی خود

ایجاد و گسترش وابستگی‌های بین‌المللی در بسیاری از جنبه‌های سیاسی و اجتماعی، به ویژه در شرایط جهانی شدن اقتصاد، باعث شده است که انگیزه‌های لازم به منظور یکپارچگی سیستم‌های بانکی و مالی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شود. به تبع آن، اهمیت مسایل حسابداری و مدیریت بانکی در مفهوم جهان و درک آن بسیار ضروری شده است. در همین راستا، کنترل و بررسی مستمر اقلام کلیدی ترازنامه و ارزیابی مسایل مهم در ترازنامه، از جمله نقدینگی، توان واریز بدهی‌ها و انعطاف پذیری مالی و همچنین تراکم، تنوع، زمانبندی و کیفیت دارایی‌ها و بدهی‌ها، بسیار ضرورت دارد. بانکها به واسطه سرمایه‌گذاران و وام‌گیرندگان متعدد با انواع بازارهای پولی و مالی رابطه دارند؛ به همین دلیل، همواره با ریسک‌های مختلفی روبرو می‌شوند، به طوری که ممکن است ورود به یک بازار و یا خروج از آن، کاهش یا افزایش در یک یا چند نوع ریسک را در پی داشته باشد.

تا سال ۱۹۷۰ بیشتر فعالیت‌های بانکی شامل پرداخت‌های اعتباری بود. به عبارت دیگر، واسطه‌گری بین سپرده‌های کوچک و کم‌هزینه و اعطای وام بود. قیمت‌گذاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها نیز مبتنی بر تصمیم‌گیری‌های ساده بود و کلیدی‌ترین چالش مدیریت هم کنترل کیفیت دارایی‌ها، زیان‌ها و هزینه‌های سربار بود. اما بروز مشکلات تورم، رکود اقتصادی و بی‌ثباتی نرخ‌های بهره در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰، باعث شد تا مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌ها در بانکها برای نگهداری حاشیه سود پذیرفتنی، بسیار ضرورت پیدا کند (Greuning & Bratanovic, 2000, P.60).

امروزه حسابداری به دنبال اتخاذ روش‌ها، رویه‌ها، دیدگاه‌ها و استانداردهایی است تا رویدادها، ارزش‌ها، فعالیت‌ها و معاملات مالی بالفعل و بالقوه را در سطوح مختلف نظری (ساختاری، تفسیری و انعکاسی) به نحوی شناسایی، اندازه‌گیری، طبقه‌بندی، مقایسه، تلخیص و کنترل کند که بتواند گزارش‌های مالی موثر و مفید را برای استفاده‌کنندگان و پاسخگویی مدیران فراهم آورد.

کمیته نظارت بانکی در بانک تسویه بین‌المللی معروف به کمیته بال^۱ بر این باور است که نقدینگی در

◆ امروزه
حسابداری به
دنبال اتخاذ
روش‌ها، رویه‌ها،
دیدگاه‌ها و
استانداردهایی
است تا رویدادها،
ارزش‌ها،
فعالیت‌ها و
معاملات مالی
بالفعل و بالقوه را
در سطوح مختلف
نظری، به نحوی
شناسایی،
اندازه‌گیری،
طبقه‌بندی،
مقایسه، تلخیص و
کنترل کند که
بتواند گزارش‌های
مالی موثر و مفیدی
را برای
استفاده‌کنندگان و
پاسخگویی مدیران
فراهم آورد

پایوت

سال دهم - شماره ۶۰
فروردین ۱۳۸۶

بپردازند.

اصل چهارم: به منظور اندازه‌گیری، نظارت، کنترل و گزارشگری ریسک نقدینگی، هر بانک، باید سیستم اطلاعاتی مناسبی را مستقر سازد. گزارش‌ها هم باید بهنگام برای هیات مدیره، مدیریت ارشد اجرایی و سایر کارکنان مرتبط، تهیه شوند.

داخلی موثر و کارآمد باشد. اجزای اصلی و اثر بخش سیستم کنترل نقدینگی هم باید به صورت مستقل و منظم، مورد بازنگری و ارزیابی قرار گیرند و برای اطمینان، هر قسمت از سیستم کنترل داخلی که لازم است، به طور مناسب اصلاح شود یا ارتقا یابد. نتایج این بررسی‌ها نیز باید در اختیار مسوولان نظارتی قرار گیرند.

نظارت و اندازه‌گیری خالص وجوه مورد نیاز

اصل پنجم: هر بانک، باید فرآیندی را برای نظارت و اندازه‌گیری مستمر خالص وجوه مورد نیاز خود ایجاد کند.

اصل ششم: هر بانک، باید بر سناریوهای متنوع، به تحلیل توان نقدینگی خود بپردازد.

اصل هفتم: هر بانک، باید به منظور تصمیم‌گیری‌های صحیح، مفروضات به کار گرفته شده در مدیریت نقدینگی را به طور پیوسته بازنگری کند.

مدیریت دسترسی به بازار

اصل هشتم: هر بانک، باید به صورت تعریف شده و در فواصل زمانی معین، برای حفظ و برقراری ارتباط با صاحبان بدهی، ایجاد تنوع در ساختار بدهی‌ها و اطمینان از توانمندی بانک در خصوص نقد کردن دارایی‌ها را مورد بررسی و بازنگری قرار دهد.

برنامه ریزی برای پیشامدهای احتمالی

اصل نهم: هر بانک، باید برنامه‌هایی را برای رویارویی با پیشامدهای احتمالی مختلف تدوین کند. این برنامه شامل استراتژی اداره کردن بحران‌های نقدینگی و روش‌های جبران شکاف‌های کوتاه‌مدت در جریان نقدی است که به دلیل قرار گرفتن در شرایط غیر منتظره به وجود آمده است.

مدیریت نقدینگی ارز

اصل دهم: هر بانک، باید برای مدیریت نقدینگی ارزهای عمده‌ای که بر مبنای آنها فعالیت می‌کند، سیستم کنترل، نظارت و اندازه‌گیری داشته باشد. هر بانک، باید افزون بر ارزیابی مجموع نیازهای نقدی خود به تفکیک ارزهای مختلف و بررسی تطابق زمانی غیر قابل قبول، بین سررسید مجموع ارزها با سررسید تعهدات ارزی، استراتژی مشخصی برای تحلیل جداگانه هر ارز داشته باشد.

اصل یازدهم: بر اساس تحلیل انجام شده در اصل دهم، هر بانک باید در صورت نیاز میزان عدم تطابق زمانی جریان‌های نقدی (ورود و خروج وجه نقد) در یک دوره زمانی معین را برای مجموع ارزها و به تفکیک برای ارزهای عمده‌ای که بر مبنای آنها فعالیت می‌کند، به صورت دقیق و منظم در یک چارچوب تعریف شده مورد بررسی و بازنگری قرار دهد.

کنترل‌های داخلی برای مدیریت ریسک نقدینگی

اصل دوازدهم: هر بانک، باید برای نظارت بر فرآیند مدیریت ریسک نقدینگی خود، دارای سیستم کنترل

نقش افشای کافی (اطلاعات) در بهبود وضعیت نقدینگی

اصل سیزدهم: هر بانک، باید به منظور هدایت افکار عمومی، ساز و کار مناسبی داشته باشد تا اطمینان یابد که اطلاعات لازم در باره سلامت و اعتبار بانک در سطحی درخور پذیرش افشا می‌شود.

نقش ناظران

اصل چهاردهم: ناظران باید از استراتژی‌ها، رویه‌ها، روش‌ها و عملیات اجرایی مربوط به مدیریت نقدینگی، ارزیابی جداگانه‌ای داشته باشند. آنها باید بانک‌ها را به داشتن سیستم موثری برای اندازه‌گیری، نظارت و کنترل ریسک نقدینگی ملزم کنند. ناظران برای ارزیابی سطح ریسک نقدینگی هر بانک، باید اطلاعات کافی و بهنگام را دریافت کنند و از وجود برنامه‌های احتیاطی لازم در خصوص مدیریت نقدینگی مطمئن شوند.

(Basel committee, 2000, pp.1-14)

ویژگی‌های دارایی‌های نقد شونده آدر بانک‌ها

دارایی‌های نقد شونده یا سیال، دارایی‌هایی هستند که درجه نقد شوندگی بالایی دارند و به سرعت به وجه نقد تبدیل می‌شوند. این دارایی‌ها، برای رویارویی با نوسانات اقتصادی پیش‌بینی‌پذیر و پیش‌بینی ناپذیر اقلام ترازنامه در نظر گرفته می‌شوند. در شرایطی که بازارهای مالی، توسعه نیافته و نقد شدن مطالبات مختلف بانک‌ها منحصراً وابسته به زمان سررسید آنها باشد، و هیچ‌گونه قابلیت خرید و فروش نیز وجود نداشته باشد، بانک‌ها به نگهداری مبالغ بالایی از دارایی‌های نقدی تمایل دارند تا متحمل پرداخت بهره نشوند، یا نرخ بهره کمتری را پرداخت کنند. در چنین شرایطی، دارایی‌های نقد شونده، حداقل ۱۰ درصد و در حالت حاد ۲۰ درصد از کل دارایی‌های یک بانک را تشکیل می‌دهند. گسترش بازارها در سراسر جهان و تنوع ابزارهای مالی باعث شده است تا انعطاف‌پذیری مالی در مدیریت نقدینگی برای دوره‌های زمانی کوتاه‌مدت بهبود یابد که به نوبه خود الزام به نگهداری مقادیر زیاد دارایی‌های نقد شونده را کاهش داده است. در محیط‌های بانکی با بازارهای مالی توسعه یافته، میزان دارایی‌های نقد شونده تنها پنج درصد از کل دارایی‌ها را شامل می‌شود. شناخت کامل این بازارها به منظور انجام معاملات الزامی است، زیرا اگر چه در برهه‌ای از زمان برخی از دارایی‌ها ظاهراً نقد شونده هستند، اما ممکن است که در زمان‌های دیگر، برای نقد کردن آنها مشکلات خاصی ایجاد شود. هدف اصلی از الزام به نگهداری دارایی‌های نقد شونده، اطمینان از جریان‌های مالی پیش‌بینی شده به منظور پرداخت به متقاضیان است. این سرمایه‌گذاری اجباری ممکن است

توان انعطاف‌پذیری مالی را کاهش و هزینه اعتبار داده شده به بخش‌های اقتصادی را افزایش دهد. با افزایش هزینه اعتبار، سطح ریسک مالی بانک نیز افزایش خواهد یافت. در بسیاری از کشورها، رشد بازار مالی و افزایش در پورتفوی سرمایه‌گذاری، عموماً منعکس‌کننده رشد وضعیت بانک‌ها به سوی انجام عملیات نامتعارف است. در چنین مواردی، پورتفوی سرمایه‌گذاری، شامل انواع ابزارهای مختلف اوراق بهادار است. این جهت‌گیری در مدیریت ریسک، به معنی جایگزین کردن ریسک اعتباری با ریسک نوسانات قیمت بازار، به وسیله بانک‌ها است. (Greuning & Bratanovic, 2000, P.65,66.)

ویژگی‌های بدهی‌ها در بانک‌ها

سپرده‌ها: سپرده‌ها معمولاً بخش بزرگی از بدهی‌های بانک‌ها را تشکیل می‌دهند. سپرده‌های مشتریان نشان‌دهنده میزان وجوه پذیرفته شده از عموم، مانند پس‌اندازها، سپرده‌های دیداری، سپرده‌های ثابت، سپرده‌های با اعلام قبلی و سپرده به ارزهای خارجی است. ساختار و ثبات سپرده‌ها بیشترین اهمیت ممکن را دارد و مراقبت‌های مضاعفی را می‌طلبد. میزان تراکم، زمان سررسید، پایداری و نوع ارز از موضوع‌هایی هستند که در زمان مصرف این منابع مورد توجه قرار می‌گیرند. رقابت برای تجهیز منابع، یک جریان عادی در بازار بانکی است و بیشتر سپرده‌گذاران - اعم از خانواده‌ها و شرکت‌ها - در نظر دارند که کارکرد و بازده وجوه خود را بیشینه سازند. بنابراین، لازم است که بانک‌ها، خط‌مشی مناسبی را برای جذب و نگهداری سپرده‌ها در پیش بگیرند و رویه‌های بررسی تحلیلی را بر مبنای منظم بودن، پایداری و مشخص بودن ساختار سپرده تنظیم کنند تا در صورت وجود احتمال برداشت منابع، این تحلیل‌ها به صورت کارآمد، مورد استفاده قرار گیرند. تحلیلگران ساختار سپرده، باید درصد هسته پایدار^۵، ثبات، فصلی بودن و نوسانات یا بی‌ثباتی^۶ سپرده‌ها را تعیین کنند. (Greuning & Bratanovic, 2000, P.59.)

وجوه بین بانکی^۷

وجوه بین بانکی، شامل مبالغ بدهی به سایر بانک‌ها و موسسه‌های اعتباری است. کلیه سپرده‌ها، وام‌ها، و پیش‌پرداخت‌های بین بانکی، به طور عادی به عنوان منابع تامین مالی ناپایدار یا بی‌ثبات تلقی می‌شوند. تجزیه و تحلیل وجوه بین بانکی ممکن است بر ساختارهای ویژه در سیستم بانکی دلالت کند. برای مثال، حالتی است که تامین نقدینگی یک گروه از بانک‌ها، توسط یکی از اعضای آن گروه صورت می‌پذیرد. ممکن است که استقراض بین‌المللی، به همان شکلی که در بانک‌های داخلی مرسوم است، روی دهد با این تفاوت که ریسک نوسانات نرخ ارز نیز به دیگر ریسک‌های بانک اضافه می‌شود. نمونه‌های مستقیم استقراض بین‌المللی، شامل وام از بانک‌های خارجی، آژانس‌های گسترش صادرات در کشورهای مختلف و یا آژانس‌های پرداخت وام بین‌المللی به اضافه حساب‌های بین بانکی^۸ است. نمونه‌های غیرمستقیم هم شامل سفته‌ها، قبولی برات‌های وارداتی و اسناد تجاری با ظهرنویسی بانک‌ها، ضمانت‌نامه‌های و بروات و یا اسناد تجاری تنزیل شده

توسط بانک‌های خارجی در کشورهای مختلف است. وجود منابع خارجی عموماً نشان‌دهنده اعتماد بین‌المللی به اقتصاد کشور است.

(Greuning & Bratanovic, 2000, P.69,70.)

نکات درخور توجه در تامین منابع از طریق وام‌های بین بانکی عبارتند از:

- این منابع معمولاً کوتاه‌مدت هستند و در هنگام بحران مالی، مورد استفاده قرار می‌گیرند.
- استفاده از این منابع در حکم زنگ خطر است و ممکن است که موجب کاهش اعتبار بانک شود.
- هزینه و حجم جذب منابع وام بین بانکی، رابطه‌ای قوی با درجه اعتبار بانک دارد.
- استفاده مکرر از این منابع، ممکن است که باعث درجه اعتبار بانک شود.
- اعتبار بالاتر، منجر به هزینه پایین‌تر جذب این منابع می‌شود.
- اعتبار بالاتر، منجر به جذب بالاتر این منابع می‌شود.
- جذب منابع از این طریق، معمولاً از ثبات نسبی برنامه‌ریزی‌ها می‌کاهد.

استقراض از بانک مرکزی

ممکن است که در میان بدهی‌های بانک‌ها، استقراض از بانک مرکزی هم وجود داشته باشد. مهمترین دلیل وام‌گیری از بانک مرکزی، تغییر در حجم ذخایر وجه نقد، ناشی از نوسانات سپرده‌هاست و این تغییر هنگامی روی می‌دهد که بانک‌ها وضعیت ذخایر روزانه خود را به طور صحیح پیش‌بینی نکرده باشند و برای رفع این تفاوت مجبور به وام‌گیری شوند. در این حالت، با ایجاد شرایط تامین منابع موقت، به بانک‌ها کمک می‌شود. دریافت اعتبار درازمدت از بانک مرکزی، بر موقعیت غیرعادی بانک دلالت دارد که ممکن است نتیجه اختلافات ملی و یا منطقه‌ای و یا موارد مربوط به اعتراض به یک بانک خاص باشد.

(Greuning & Bratanovic, 2000, P., 70.)

مدیریت ریسک و نقدینگی

هر معامله یا خدمتی که بانک‌ها انجام می‌دهند، دارای ریسک است. ریسک‌هایی که بانک‌ها را تحت تاثیر قرار می‌دهند، از کوتاهی در روند امور و ناموفق بودن سیاست‌ها و یا نارسایی‌های ناشی می‌شوند. همه اینها ممکن است که باعث از دست رفتن مشتریان و فرصت‌های تجاری و شاید هم منجر به پرداخت غرامت شوند. اگر بانک‌ها در روش‌های تامین مالی و قیمت‌گذاری ارزش خدمات اشتباه کنند، در معرض ریسک قرار خواهند گرفت. بنابراین، بانک‌ها به آگاهی کامل و جامع از بهای تمام شده منابع مالی و خدمات خود نیاز دارند.

(Greuning & Bratanovic, 2001, P., 59.)

ریسک نقدینگی

ریسک نقدینگی، در اثر ناتوانی یک بانک در تادیه و کاهش بدهی‌ها یا تامین منابع برای افزایش دارایی‌ها به وجود می‌آید. در مواقعی که بانک از نقدینگی کافی



◆ **نخستین اصل کلیدی در نحوه مدیریت نقدینگی بانکها این است که هر بانک، برای مدیریت نقدینگی روزانه خود، استراتژی در خود پذیرش داشته باشد و این استراتژی را به تمام واحدهای بانک ابلاغ نماید**

(Hitchins, hogg & Mallet, 2001, pp 20, 21)

به دلایل زیر، ریسک نقدینگی در بانکهای اسلامی بالا به شمار می آید:

- ارایه تسهیلات و سرمایه گذاریها با سررسیدهای نسبتاً دراز مدت،
- جذب منابع به صورت سپردههای کوتاه مدت و میان مدت،
- نبودن بازار ثانویه فعال (قدرت نقل و انتقال) برای وامها و تسهیلات اعطایی،
- پایین بودن توان نقدینگی داراییهای مالی اسلامی.

پانوشته ها:

۱- کمیته نظارت بانکی (بال) در سال ۱۹۷۵ توسط نمایندگان بانکهای مرکزی و مقامات مسوول کشورهای گروه ۱۰ (بلژیک، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، هلند، سوئد، سوئیس، انگلستان، آمریکا، کانادا، لوکزامبورگ) تشکیل شد.

- 2-A Framework for Measuring and Managing Liquidity.
- 3- Sound Practices for Managing Liquidity in banking organizations.
- 4- Liquid Asset.
- 5- Hard- Core.
- 6- Volatile.
- 7- Interbank Funding.
- 8- Nostor Account.
- 9- Speculative Balance.

منابع:

- فرجی، یوسف، آشنایی با ابزارهای پولی و مالی، موسسه عالی بانکداری ایران؛ ۱۳۸۱.

- هیات تدوین استانداردهای بین المللی حسابداری، استانداردهای بین المللی حسابداری شماره ۳۰ موارد افشا در صورت های مالی بانکی و موسسه های مالی مشابه، ترجمه مصطفی علی مدد و عباس ارباب سلیمانی، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، سازمان حسابرسی، ۱۳۸۱.

برخوردار نباشد، نمی تواند با سرعت و هزینه معقول، منابع لازم را از محل افزایش بدهی یا تبدیل دارایی به وجه نقد تامین کند. بدیهی است که این امر بر سودآوری بانک اثر می گذارد. در شرایط بحرانی، نداشتن نقدینگی کافی، حتی منجر به ورشکستگی بانک می شود.

(Greuning & Bratanovic, 1997, P22.)

بانکها به منابع مطمئن برای تامین وجوه مورد نیاز خود دسترسی دارند. آنها می توانند وامهای درازمدت پرداخت کنند، حتی اگر این وامها از محل سپردههای کوتاه مدت تامین مالی شده باشند. آنها از این واقعیت که نرخ بهره در اوضاع و شرایط عادی (هم بهره پرداختی و هم بهره دریافتی) رابطه مستقیم با مدت وام و سپرده دارد، سود می بردند. اما به هر حال، به علت عدم تطابق سررسید داراییها (وامها) و بدهیها (سپردهها) بانکهای به طور مستمر با ریسک نقدینگی روبرو هستند. این ریسک هنگامی پدید می آید که سپردهها (اعم از این که از بازار عمده فروشی یا خرده فروشی دریافت شده باشند- سررسید شوند و سپردههای جدید برای جایگزین آنها وجود نداشته باشد. در چنین شرایطی، بعید است که بازپرداخت وامها بتواند این تفاوت را جبران کند. بنابراین، جریان خروجی نقدی بیشتر از جریان ورودی نقدی خواهد شد، این بدان معنی است که بانک باید بین پرداخت نرخهای بالا بهره برای جذب سپردههای جدید، فروش تعدادی از داراییهای مالی که به سرعت در بازار نقدپذیر هستند، و یا فروش داراییهای با نقدینگی کم مانند وامها با قیمتی پایین تر که منجر به زیان می شود، یکی را انتخاب کند.

بانکها ریسک نقدینگی را به طور سیستماتیک و منظم تطابق نمودار سررسید داراییها و بدهیهای خود، به ویژه در زمانهایی که سررسید آنها نزدیک است، از روی احتیاط و بانگهداری ذخایر نقد از قبیل وجه نقد نزد سایر بانکها و اوراق بهادار دولتی قابل فروش در بازار، مدیریت می کنند. آنها ممکن است امکانات آماده و پشتیبانی متقابل بین بانکی را داشته باشد تا در صورت بروز مسایل نقدینگی، به صورت موقت متعهد پرداخت وام به یکدیگر باشند. در حالتی که کل بازار مالی تنش داشته باشد، معمولاً امکان دریافت وام از آخرین پناهگاه، یعنی بانک مرکزی، وجود دارد.